

دکتر حسن انوری در گفت‌وگوی اختصاصی با مفاخر ماندگار:

## اگر زبان فارسی نبود هویت ایرانی شکل نمی‌گرفت

صدرا صدوقی



عکس: ایرنا

چرا به این جمع بندی رسیدید که فرهنگ سخن را تالیف کنید؟ این فرهنگ چه ویژگی‌هایی داشت که متمایز از فرهنگ معین و دهخدا بود؟

فرهنگ معین بیشتر به زبان قدیم فارسی توجه دارد و امروز بیشتر لغتنامه دهخدا به زبان قدیم فارسی توجه دارد. مرحوم دهخدا در متون فارسی تا عهد مغول جلوتر نیامده است. شواهد لغتنامه دهخدا اکثراً از شاعران و نویسندگانی است که متعلق به قرون قبل از دوران مغول اند. فرهنگ معین و فرهنگ دهخدا با زبان روز فارسی فاصله دارند. این است که من به این فکر افتادم که فرهنگی بنویسم که جامع زبان روز و زبان قدیم باشد. به همین دلیل حدود دویست و پنجاه رمان امروزی را فیش کردم یا دادم فیش کنند.

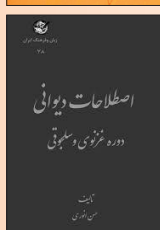
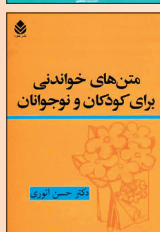
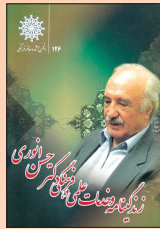
از حرف الف از الف و میم به بعد و قسمتی از حرف «ر» و قسمتی از حرف «ک» و قسمتی از حرف «ی» را بنده در طول مدتی نزدیک به چهل سال نوشته‌ام. البته من حدوداً چهل سال با موسسه لغتنامه دهخدا همکاری داشتم و الان هم در تالیف لغت نامه بزرگ پارسی که بعد از لغتنامه دهخدا آغاز شده است، همکاری دارم. در کتابخانه لغتنامه دهخدا با فرهنگ‌های خارجی مانند فرانسوی و انگلیسی و عربی و آلمانی آشنا شده‌ام و در شیوه‌ای که آنها به کار برده‌اند، تأمل کردم و شیوه آنها را با شیوه‌ای که در لغتنامه دهخدا موجود است مقایسه می‌کردم. نتیجه این تفکر این شد که در ذهن من یک شکلی از فرهنگ‌نویسی به وجود آمد که بعدها توانستم این شیوه را عملی کنم و «فرهنگ بزرگ سخن» را به وجود بیاورم.

دکتر حسن انوری یکی از چهره‌های ماندگار زبان و ادب فارسی است. ادیب و نویسنده‌ای توانا که آثار و تألیفات سترگ و ستودنی او در سپهر ادبیات، گواهی بر غنای ادب فارسی است. اندیشمندی پرکار که به شکلی خستگی‌ناپذیر به فعالیت علمی خود ادامه می‌دهد و همواره بخشی از بار فرهنگی - ادبی ایران را دهه‌های گذشته بر دوش داشته است. حافظ پژوهی، فرهنگ‌نویسی و عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از دیگر فعالیت‌های این استاد و چهره ماندگار زبان و ادب فارسی به شمار می‌روند. در گفت‌وگوی اختصاصی با این استاد و پژوهشگر برجسته کشور، ضمن مرور فعالیت علمی او در عرصه فرهنگ‌نویسی، جایگاه و اهمیت زبان و ادب فارسی را مورد مذاقه قرار داده‌ایم که حاصل آن را می‌خوانید.



یکی از مهم‌ترین تخصص‌های شما بحث فرهنگ‌نویسی است و البته همکاری بلندمدتی هم با لغت نامه دهخدا داشته و دارید... کیفیت این همکاری چگونه بود؟ من بسیار جوان بودم که برای همکاری با لغتنامه دهخدا دعوت شدم. و قسمتی

است که هر قومیتی زبان خاص خود را دارد؛ کرد، لُر و آذربایجانی زبان خاص خود را دارند. رابط بین این اقوام زبان فارسی است. یک لحظه فکر کنید که اگر زبان فارسی نبود هویت ایرانی به چه شکلی در می‌آمد؟! اگر زبان فارسی نبود هویت ایرانی نمی‌توانست شکل بگیرد و این مهم‌ترین ویژگی زبان فارسی است. دومین اهمیت زبان فارسی در این است که امروز زبان رسمی سه کشور ایران و افغانستان و تاجیکستان است. گذشته از این‌ها در سه - چهار قرن پیش زبان فارسی زبانی بین‌المللی بوده و از هندوستان تا جنوب اروپا زبان فارسی، زبان ادبی بوده است. زبان هندوستان برای زبان فارسی کتاب‌های مهم فرهنگ نوشته‌اند: فرهنگ جهانگیری، فرهنگ آندراج، فرهنگ بهار عجم و... حال چطور می‌توان توجه کرد که در جایی زبان اهمیت نداشته باشد، ولی برای آن «فرهنگ» نوشته شود. این فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی در هندوستان نشان از شیوع فوق‌العاده زبان فارسی در اقصی نقاط هندوستان دارد. پادشاهان عثمانی به زبان فارسی غزل می‌سرودند. برای شاهکارهای فارسی در جنوب اروپا و بوسنی هرزگوین شرح نوشته‌اند. از این‌ها گذشته، زبان فارسی زبانی است دارای



در فرهنگ سخن نسبت به فرهنگ‌های متعدد وجود دارد؛ در فرهنگ دهخدا اصطلاحات علمی توسط «ادبا» نوشته شده است. خود من که در لغتنامه دهخدا کار می‌کردم اصطلاحات علمی و شیمی و... را از کتاب‌های درسی دبیرستان استخراج می‌کردم؛ در حالی که در «فرهنگ سخن» اصطلاحات علمی از سوی متخصصین هر حوزه به رشته تحریر درآمده است.

### جنابعالی اهمیت زبان و ادب فارسی را در چه می‌دانید؟

من اهل آذربایجان هستم. زبان مادری من ترکی است و من جهان را با زبان ترکی شناختم و حتی ادبیات را با زبان ترکی شناختم، ولی اوضاع و احوال و سرنوشت چنان بود که من خدمتگزار زبان فارسی باشم و از جهت مختلف به زبان فارسی پرداخته‌ام. بنده بیش از ۷۰ سال به زبان فارسی خدمت کرده‌ام؛ کتاب درسی و دانشگاهی نوشته‌ام، فرهنگ نوشته‌ام و در ضمن این خدمتگزاری به زبان فارسی به اهمیت زبان فارسی آنچنان پی برده‌ام که معمولاً مغفول مانده و زیاد به زبان آورده نمی‌شود. به نظر من زبان فارسی از جهات مختلف اهمیت دارد؛ مهم‌ترین اهمیتش این است که رابط بین اقوام مختلف ایرانی است. ایران کشوری دارای قومیت‌های گوناگون

اصطلاحات زبان امروز را که در فرهنگ سخن است در فرهنگ معین و دهخدا نداریم. به‌عنوان مثال عرض می‌کنم: کلمه «دست» در جلد پنجم فرهنگ سخن، در ذیل این کلمه ۴۹۰ ترکیب زبانی آمده است و این در زبان فارسی برای اولین بار است و در فرهنگ‌های دیگر نظیر ندارد.

### در تالیف فرهنگ سخن چه چهره‌هایی با شما همکاری داشتند و دارند؟

من سعی کرده‌ام که اولاً چند دسته تالیف یار، همکار و... برای خودم انتخاب کنم. در این راستا عده‌ای جوان تحصیلکرده ادبیات فارسی برای تالیف قسمت عمومی زبان و عده‌ای برای تالیف واژگان علمی زبان انتخاب کردم. برای واژگان علمی زبان سعی کردم از افراد شناخته شده و متخصص استفاده کنم مثلاً برای اصطلاحات اقتصادی، مرحوم دکتر منوچهر فرهنگ را که بزرگ‌ترین متخصص اقتصاد در آن دوره بود و رئیس انجمن اقتصاددانان ایران بود [را] انتخاب کردم یا برای اصطلاحات موسیقی به سراغ یکی از استادان موسیقی در دانشگاه تهران رفتم و در چند جلسه با او صحبت کردم ولی متأسفانه متوجه شدم با اینکه ایشان استاد موسیقی دانشگاه است، ولی شمایی از فرهنگ‌نویسی ندارند و «فرهنگ‌نویسی» را با «دانشنامه‌نویسی» اشتباه می‌کردند. من به دنبال کس دیگری رفتم و بالاخره آقای حسن خان مکرری را پیدا کردم که ۲۵ سال در آلمان موسیقی تدریس کرده بود و یکی از بهترین متخصصان موسیقی غربی و ایرانی به‌شمار می‌رود. بنابراین این امتیاز

واژگانی بسیار وسیع و چون زبانی ترکیبی است، استعداد ساختن واژگان جدید را دارد.

مسئله دیگر در مورد زبان فارسی این است که زبان فارسی، زبانی است که از نظر سابقه تاریخی گذشته اش مشخص است و این برای کمتر زبانی در دنیا حاصل شده است؛ مثلاً زبان فارسی که ما امروز صحبت می‌کنیم دنباله زبان فارسی میانه است که در دوره ساسانی تکلم می‌شده و زبان دوره ساسانی دنباله زبانی است که در دوره هخامنشی تکلم می‌شده است.

نکته خیلی خیلی جالب این است که هم از دوره هخامنشی و هم از دوره ساسانی و هم از دوره بعد از اسلام از این زبان آثاری بر جای مانده است. شما چند چند زبان در دنیا می‌شناسید که به این صورت در آن‌ها از دوره‌های مختلف، آثار

گونگونی وجود داشته باشد.

همچنین یکی از مسائل مهم درباره اهمیت زبان فارسی این است که در این زبان، شاهکارهایی به وجود آمده است که در دنیا کم نظیر است. زبان شناسان می‌گویند که در دنیا شش هزار زبان وجود دارد؛ در بین این شش هزار زبان، چند زبان وجود دارد که در آن، آثاری مثل شاهنامه فردوسی، کلیات شمس، کلیات سعدی و غزلیات حافظ به وجود آمده باشد. در واقع تعداد زبان‌هایی

که آثاری چنین مهم در آنها به وجود آمده است به بیست تا نمی‌رسد و این افتخار بسیار مهمی برای زبان فارسی است. یک دانشمند حماسه شناس اروپایی به نام ویرژل در بین شاهکارهای ادبی جهان چهار مورد را مهم‌ترین دانسته است؛ او اصطلاح جالبی به کار می‌برد و می‌گوید، این چهار اثر، یادگار شکوهمند نبوغ بشری هستند که عبارتند است از: شاهنامه فردوسی ایللیاد یونانی و کم‌دی الهی و آثار شکسپیر؛ این چهار اثر مهم‌ترین آثار ادبی جهان هستند. از این نظر زبان فارسی از نظر تاریخی و ادبی نه از نظر سنجش اقتصادی امروز، از بزرگ‌ترین زبان‌های دنیا است. امروز که دنیا تغییر پیدا کرده، لازم است که این زبان گسترش پیدا کند و برای گسترش آن باید موسسه‌ای به وجود بیاید و این موسسه در ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

**چند سالی است که برای کلمات فرنگی معادل سازی‌های فارسی انجام می‌شود. اما معادل‌هایی که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای کلمات تعیین شده است، که آن‌طور که باید در جامعه جدی گرفته نمی‌شوند؛ حتی گاهی این واژه‌ها در جامعه مورد تمسخر واقع می‌شوند، علت چیست؟ چرا مردم نمی‌توانند با این واژه‌ها ارتباط**

### خوبی برقرار کنند؟

متأسفانه عده‌ای بدون مطالعه، ساخته‌های فرهنگستان را به سخره می‌گیرند و از خودشان چیزهایی عجیب و غریب می‌سازند و به فرهنگستان نسبت می‌دهند. نه! این‌طور نیست که شما فرمودید، شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد از واژه‌هایی که فرهنگستان می‌سازد، مقبول است و آنهایی که ایراد می‌گیرند ایرادشان به نظر من وارد نیست و نتیجه بدخواهی است! همان‌طوری که نسبت به حکومت نظر خوبی ندارند، نسبت به فرهنگستان هم متأسفانه نظر خوبی ندارند.

**با توجه به اهمیتی که برای زبان و ادب فارسی بیان فرمودید؛ حالا که در سال هزار و چهارصد ششمی هستیم، وضعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

دنیایه سوی اتحاد شکل می‌رود و در این مسیر، زبان بین‌المللی، زبان‌های دیگر را تحت تاثیر قرار داده است. این زبان بین‌المللی زبان انگلیسی است و هیچ چاره‌ای هم نیست؛ ما هر چقدر واژه جدید می‌سازیم و فرهنگستان هر چقدر واژه جدید می‌سازد، باز هم مردم معادل انگلیسی را به کار می‌برند و این مایه تأسف است. و هیچ چاره‌ای وجود ندارد و من از این نظر بسیار نگران زبان فارسی هستم. ولی تنها مایه امیدی که در ذهن من هست، این است که گفتم؛ چون در این زبان شاهکارهایی به وجود آمده که مایه افتخار بشریت است، این آثار زبان فارسی را نگه خواهد داشت؛ لاقلاً در حد ادبیات نه در حد زبان بازرگانی و تجاری و صنعتی و...

